

حاج قاسم در سخت‌ترین شرایط خط مقدم بود

گفت و گو با سردار ایرج مسجدی

در جریان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، نخستین قرارگاه برون مرزی سپاه پاسداران با نام «رمضان» شکل گرفت که مأموریت اصلی آن انجام عملیات‌های نامنظم و در خاک دشمن و ارتباط با معارضان کرد عراقی بود. سردار ایرج مسجدی در همان روزها رئیس ستاد قرارگاه رمضان بود و با شکل‌گیری نیروی قدس سپاه به آن پیوست. همراهی و همکاری نزدیک به سه دهه در کنار شهید سلیمانی به‌خصوص در کشور عراق باعث ایجاد تجربیاتی گرانمایی برای او شد که در منصب سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق نیز ادامه داشت.

• باتوجه به مسئولیت شما در قرارگاه رمضان در سال‌های دفاع مقدس، آیا آشنایی و تماس‌هایی با شهید سلیمانی در آن سال‌ها داشتید؟

در دوره دفاع مقدس همان‌طور که اشاره کردید، شهید سلیمانی فرمانده لشکر ثار... کرمان بودند و بنده هم در قرارگاه رمضان حضور داشتم. البته در آن مقطع من فرمانده قرارگاه نبودم، رئیس ستاد بودم و طبیعتاً آنها بیشتر درگیر جنگ منظم و به‌اصطلاح نظامی‌ها، جنگ کلاسیک با رژیم بعث بودند اما فعالیت‌های مابرون مرزی و در داخل خاک عراق بود. خیلی ارتباط ارگانیک و سازمانی بین ما و آن دوستان وجود نداشت. فرماندهی کل سپاه در زمان جنگ با فرمانده نیروی زمینی سپاه نیز جلسات زیادی برگزار می‌کرد که در آن جلسات، فرمانده لشکرها و قرارگاه‌ها برای هماهنگی بیشتر، توضیحات، طراحی و بحث‌های مختلف حضور داشتند. در آن جلسات با شهید سلیمانی و سایر فرماندهان سپاه ارتباط داشتیم؛ ولی چون حوزه کاری‌مان جدا از هم بود این ارتباط، ارتباط ارگانیک در دوره دفاع مقدس نبود.

• علی‌القاعده این ارتباط از اواخر سال ۷۶ که سردار سلیمانی به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه انتخاب شدند، گسترده‌تر شد. قبل از این که به ورود آقای سلیمانی به نیرو بپردازیم، کمی درباره وضعیت نیروی قدس قبل از حضور ایشان برای‌مان توضیح دهید؟

حضرت امام خمینی (ره) فرمان تشکیل سه نیرو را به فرماندهی کل سپاه دادند؛ نیروی زمینی، هوایی و دریایی که این سه نیرو تشکیل شد. بعد از دفاع مقدس، دو نیروی سازمان بسیج و قدس به دستور مقام معظم رهبری شکل گرفت. یعنی نیروی قدس با تدبیر حضرت آقا تشکیل شد و اولین فرمانده‌اش هم سردار احمد وحیدی بود. دوره فرماندهی آقای وحیدی حدود هفت سال طول کشید. بنابراین نیروی قدس

هفت سال قبل از ورود شهید سلیمانی تشکیل شده بود و مأموریت‌های خودش را انجام می‌داد اما چرا نیروی قدس تشکیل شد؟

نظر من این است که تدبیر مقام معظم رهبری برای تشکیل یک نیروی استراتژیک به نام سازمان بسیج در جهت سازماندهی داخلی کشور از نیروهای مردمی و بسیجی‌ها بود و نیروی قدس برای سازماندهی فعالیت‌های خارج از کشور توسط سپاه پاسداران، که بسیار تدبیر جالب و نتیجه‌بخشی بود.

• به چه دلیل این نکته را می‌گویید؟

اول این‌که یک سری قرارگاه‌هایی داشتیم، مثلاً در لبنان یا قرارگاه انصار که در افغانستان یا قرارگاه رمضان که در عراق مأموریت داشت و ... اینها مثل جزایر کوچکی بودند که با تشکیل نیروی قدس، مدیریت همه این بخش‌های خارج از کشور به این نهاد سپرده شد. دوم؛ کار با گروه‌ها و نهضت‌های مقاومت و بخش‌های دیگر که باعث ایجاد یک انسجام ساختاری و سازمانی برای مدیریت آنها شد. بنابراین فلسفه

تشکیل نیروی قدس برای این بود که فعالیت‌های برون مرزی و خارجی سپاه یک انسجام پیدا کند و همان‌طور که عرض کردم، آقای وحیدی فرمانده‌اش بود. بنده هم آن موقع مدت زیادی رئیس ستاد نیروی قدس بودم.

• از ابتدای شکل‌گیری نیروی

قدس تا زمان ورود سردار سلیمانی

به‌عنوان

فرمانده، آیا نیرو به بلوغ کافی رسیده بود؟

به نظر من، آقای وحیدی کار بزرگی که کرد و موفقیت بزرگی که داشت، تشکیل و راه‌اندازی نیرو بود. شما یک مرتبه تشکیلاتی را می‌خواهید راه‌اندازی کرده و بنا بگذارید، این خیلی کار سخت و مهمی است و آقای وحیدی در این کار واقعاً موفق بود. حتی در مدیریت بخش‌های مختلفی که باید با این مجموعه هماهنگ می‌شد، از رده‌های مختلف و قرارگاه‌های مختلفی در اختیار نیروی قدس قرار داده شد. زمانی که شهید سلیمانی به نیروی قدس آمدند، نیرو هفت سال تجربه کار را پشت سر گذاشته بود. اقدامات بسیار زیادی را در حوزه‌های مختلف به‌خصوص لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان و جاهای دیگر انجام داده بود. در این دوره به اعتقاد من مدیریت و فرماندهی فرمانده وقت نیروی قدس (آقای وحیدی) بسیار قابل توجه است اما دوره شهید سلیمانی در اصل اقدام موثر و بزرگی که انجام شد، توسعه نیروی قدس و جبهه مقاومت بود که امروز به یک قدرت بزرگ و ارزشمند تبدیل شده است.

• آیا سردار سلیمانی همان مسیر آقای وحیدی را ادامه دادند یا این که مسیر جدیدی را انتخاب کردند؟

یک سری اقدامات تقریباً ثابت و تعریف شده‌ای بود که آنها را ادامه داده و حتی تقویت کردند اما کارهای جدیدی را هم شروع کردند. چون سردار سلیمانی یک فرمانده عملیاتی و میدانی بود، تجربه دوران دفاع مقدس را به نوعی با خودش به نیروی قدس آورد و توانمندی‌های عملیاتی، نظامی و گسترش توان رزمی در نهضت‌های آزادبخش را به شدت تقویت کردند یا کاری که در زمینه‌های آموزش انجام گرفت. سردار سلیمانی روی موضوع آموزش بسیار جدی ورود کرد و این موضوع نقش بسیار بزرگی برای گروه‌ها و جریانات مقاومت داشت. توانمندی‌های مختلف و ایجاد این توان برای نیروهای مقاومت در دوره شهید سلیمانی نضج گرفت و توسعه پیدا کرد. از طرف دیگر کاملاً هم‌افزایی‌ها ایجاد شد و هماهنگی‌هایی بین نیروی قدس و جریانات مقاومت به وجود آمد. در نهایت اگر بخواهم مقایسه‌ای انجام دهم، در دوره آقای وحیدی نیروی قدس مراحل اولیه خودش را پشت سر گذاشته و به یک نوجوان تبدیل شده بود اما در دوره شهید سلیمانی به یک جوان برومند و باتجربه تبدیل شد. در اصل آقای سلیمانی مسیر نیروی قدس را ادامه داد اما ادامه‌ای که باعث شد یک درخت بسیار تناور و

